

مقاله اصلی

بررسی نقش واسطه گری ناگویی خلقی در ارتباط با افسردگی و رضایت زناشویی در معلمان مقطع ابتدایی با تعدیل گری جنسیت^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۵

خلاصه

مقدمه

رضایت از زندگی زناشویی می‌تواند بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، از جمله بر سلامت جسمی و روانی زوج‌ها تأثیر بگذارد لذا این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه گری ناگویی خلقی در ارتباط بین افسردگی و رضایت زناشویی با تعدیل گری جنسیت انجام شد.

روش کار

جامعه آماری شامل کلیه معلمان متاهل مقطع ابتدایی آموزش و پرورش منطقه آزاد اروند بود که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به خدمت بودند، ۳۰۰ آزمودنی به عنوان نمونه پژوهش از طریق روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش جهت اندازه گیری متغیرها عبارت بودند از: مقیاس ناگویی خلقی بگبی، پارکر و تیلور، پرسشنامه رضایت زناشویی اتریچ و پرسشنامه افسردگی بک پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Amos تحلیل شدند.

نتایج

نتایج نشان داد که افسردگی با رضایت زناشویی رابطه مستقیم منفی و معنی دار دارد ($\beta = -0/28$) و $p < 0/01$ ، رابطه مستقیم بین ناگویی خلقی و رضایت زناشویی نیز منفی و معنی دار است ($\beta = -0/10$) و $p < 0/05$ ، بین افسردگی و ناگویی خلقی رابطه مستقیم، مثبت و معنی دار وجود دارد ($\beta = 0/21$) و $p < 0/01$ ، همچنین بین افسردگی با رضایت زناشویی از طریق ناگویی خلقی رابطه غیر مستقیم وجود دارد. ($\beta = -0/02$) و $p < 0/01$. و نهایتاً نتایج نشان داد جنسیت رابطه افسردگی و رضایت زناشویی را تعدیل نمی‌کند.

نتیجه گیری

می‌توان چنین استنباط کرد که هرچه علائم افسردگی در زوجین کاهش یابد رضایت زناشویی آنها هم به صورت مستقیم و هم از طریق کاهش ناگویی هیجانی بیشتر می‌شود.

کلمات کلیدی

رضایت زناشویی، ناگویی خلقی، افسردگی.

علیرضا حیدری^۱

پرویز عسگری^{۲*}

سعید بختیارپور^۳

علیرضا حیدری^۳

فریبا حافظی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی تربیتی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسؤل)

^۳ گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Email: Askary47@yahoo.com

مقدمه

رضایت زناشویی فرایندی است که در طول زندگی زوجین ایجاد شده و لازمه آن همخوانی سلیقه‌ها، شناخت شخصیت، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای تعامل است. در واقع می‌توان گفت: زوجین با رضایت زناشویی، در زمینه‌های مختلف زندگی با یکدیگر اتفاق نظر دارند (۱). عوامل زیادی در روابط زناشویی سبب رضایتمندی یا نارضایتی بین زوجین می‌شود. افسردگی و علایم مرتبط با آن یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در رضایت زناشویی محسوب می‌شود. بین مشکلات زناشویی، سطح تعارض‌های زناشویی، سازگاری زناشویی و نشانه‌های افسردگی رابطه وجود دارد. زوج‌هایی که یکی از آنها افسرده است، غالباً ارتباط آشفته‌ای را تجربه می‌کنند. افراد افسرده سود ناچیزی از ازدواج نسیشان می‌شود، زیرا افسردگی یکی از همسران به روابط بین آنها آسیب می‌رساند (۲). در دنیای امروز افسردگی یکی از متداول‌ترین اختلالات روان‌پزشکی و مشکل عمومی زندگی بشر، محسوب شده و تقریباً در همه کشورهای فرهنگ‌ها ملموس است. مطالعات مختلف حاکی از این است که زنان ۲ برابر بیشتر از مردان افسرده می‌شوند. عوامل تنش‌زایی چون زایمان، عادت ماهیانه، درماندگی آموخته شده، تفاوت‌های هورمونی، مهارت‌های ناکافی اجتماعی و تفاوت فشارهای روانی-اجتماعی مردان و زنان را در بروز آن دخیل می‌دانند (۳). از دیگر سو با توجه به اینکه افسردگی یک خلق و خو یا یک حالت عاطفی است که ویژگی آن اندوه، بی‌معنایی و کاهش توانایی در لذت بردن از زندگی می‌باشد (۴)، زوج‌هایی که همسرشان افسرده است، در مقایسه با زوج‌های سالم در تعاملات زناشویی خود توافق کمتر و تعاملات منفی بیشتری دارند (۵). همچنین در یک مطالعه طولی ارتباط میان تعارض زناشویی و نشانگان افسردگی را بررسی شد و نشان دادند که درگیر شدن زوج‌ها با یکدیگر و پرخاشگری فیزیکی در طول تعارض تنها با علایم افسردگی در زنان در ارتباط است (۶).

یکی دیگر از متغیرهایی که این تحقیق به دنبال بررسی ارتباط آن با رضایت زناشویی می‌باشد، ناگویی خلقی (آلکسی تیمیا)^۱ است. اصطلاح آلکسی تیمیا اولین بار توسط سیف‌نوس^۲ برای توصیف ناتوانی روانشناختی در شناسایی و بیان جنبه‌های هیجانی به کار برده شد. همچنین ناگویی خلقی به عنوان مجموعه‌ای از نقایص شناختی و عاطفی در بیان، توصیف، شناسایی و تمایز احساسات تعریف می‌شود (۷). با توجه به اینکه توانایی بروز احساسات و هیجانات، نقش مهمی در ایجاد صمیمیت بین فردی دارد، عاملی مهم در ایجاد پایداری و تداوم روابط زوجین و نیز رضایت زناشویی می‌باشد (۸). پژوهش‌های بسیاری رابطه بین توانایی ابراز هیجانات، دارا بودن مهارت‌های هیجانی و توانایی تشخیص هیجانها با صمیمیت و رضایت زناشویی را تایید و کردند (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳). با توجه به اینکه که ابراز هیجان می‌تواند سبب افزایش رضایت زناشویی شود، بدیهی است ناگویی و عدم ابراز هیجانات تأثیر منفی بر این رابطه داشته و رضایت زوجین از زندگی را می‌کاهد (۱۲). با توجه به اینکه در ویرایش پنجم راهنمایی تشخیصی و آماري اختلال‌های روانی^۳ (DSM-5) ناگویی خلقی به عنوان یک اختلال روانی طبقه بندی نشده است و به عنوان ویژگی که در افراد درجات مختلفی دارد مطرح می‌شود و پیوستار نشانگان آن در جمعیت‌های غیر بالینی نیز مشاهده شده است (۱۴)، می‌توانیم به بررسی ارتباط ابعاد مختلف آن (دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی) با نشانه‌های افسردگی در افراد عادی پردازیم. در پژوهشی نشان داده شد، افسردگی و ناگویی خلقی ارتباط مثبت و قوی با یکدیگر داشته و تا حدودی همپوشانی دارند (۱۵). همچنین در پژوهشی، مشخص شد ارتباط معنی داری بین نمرات ناگویی خلقی و علایم افسردگی وجود دارد (۱۶).

1 alexithymia

2 Sifneos

3 Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

آموزش و پرورش منطقه آزاد اروند بود که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به خدمت بودند. حجم جامعه آماری پژوهش حاضر حدود ۱۵۰۰ نفر بود. در خصوص حجم نمونه جهت آزمون مدل پیشنهادی و فرضیه‌های پژوهش، با توجه به تعداد متغیرهای پژوهش ۳۰۰ آزمودنی به عنوان نمونه پژوهش از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرط ورود به پژوهش، زندگی با همسر با حداقل شروع از ۳ سال قبل و زندگی با هم در حال حاضر، بود. در روند اجرای پژوهش برخی شرکت‌کنندگان از ادامه‌ی شرکت در طرح انصراف داده و پرسشنامه‌ها به صورت ناقص تکمیل شدند و یا به عللی همچون مرخصی و غیره از نمونه‌ی پژوهش خارج شدند. برای رعایت نکات اخلاقی پژوهش، ابتدا طرح پژوهش از جهات علمی و اخلاقی در گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز تایید و تصویب شد و فرم رضایت‌نامه به شرکت‌کنندگان داده شد تا در صورت رضایت برای شرکت در پژوهش آن را بپذیرند. در این فرم تصریح شده بود که شرکت‌کنندگان این حق و اختیار را دارند که در هر مرحله از پژوهش بر اساس میل و اختیار کامل به همکاری خود با پژوهشگر خاتمه دهند و در خصوص محرمانه بودن اطلاعات نیز به شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد.

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط آزمودنی‌ها تعداد ۳۰۰ پرسشنامه عودت شد. بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش، تعداد ۲۵۸ پرسشنامه باقیمانده (تعداد ۱۲۹ زن و تعداد ۱۲۹ مرد)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شاخص‌های توان آزمون و برازش مدل نشان دهنده کفایت حجم نمونه بود. در این پژوهش برای جایگزین کردن داده‌های گمشده از روش جایگزین کردن داده‌های گمشده با میانگین متغیر استفاده شد. همچنین برای تشخیص داده‌های پرت چند متغیری از روش‌های مبتنی بر فاصله ماهالانویس برای متغیرها استفاده شده است. بیشترین مقدار فاصله ماهالانویس در پژوهش حاضر ۱۴/۶۹ به دست آمد. که از مقدار X^2 جدول در سطح ۰/۰۰۱ کوچکتر بود، لذا وجود داده‌های پرت چند متغیری در داده‌های جمع‌آوری شده پژوهش حاضر مشهود نبود. میانگین و انحراف

پژوهش‌های زیادی تفاوت‌هایی را در سطوح ناگویی خلقی و افسردگی بین زنان و مردان تایید کرده است (۱۷، ۱۸)، لذا با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهشی ذکر شده ناگویی خلقی می‌تواند به عنوان متغیر واسطه رابطه بین افسردگی و رضایت زناشویی را میانجی‌گری کند. زیرا این ویژگی به عنوان یک فاکتور میانجی در هنگام مطالعات افسردگی و اضطراب در نظر گرفته می‌شود (۱۶) و با در نظر گرفتن جایگاه معلمان و نیز اهمیت خانواده و رضایت زناشویی در ارتقا سلامت جامعه، ضرورت دارد عوامل مرتبط با آن، از جمله، افسردگی و ناگویی خلقی بر روند ارتقا کیفیت روابط زناشویی رضایت بخش مورد بررسی قرار گیرد. علی‌رغم اینکه که در پژوهش‌های قبلی رابطه برخی از متغیرها با رضایت زناشویی بررسی شده است، ولی با این ترکیب از متغیرها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به منظور تحلیل ضرایب مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم روابط با رضایت زناشویی و به خصوص با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت، پژوهشی انجام نشده است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌گری ناگویی خلقی در ارتباط بین افسردگی و رضایت زناشویی معلمان مقطع ابتدایی منطقه آزاد اروند با تعدیل‌گری جنسیت انجام شد است. با توجه به هدف پژوهش و ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود، فرضیه‌های پژوهش به این شرح آزمون شدند: فرضیه ۱ بین افسردگی با رضایت زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد. فرضیه ۲ بین ناگویی خلقی با رضایت زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد. فرضیه ۳ بین افسردگی با ناگویی خلقی رابطه مستقیم وجود دارد. فرضیه ۴ بین افسردگی با رضایت زناشویی از طریق ناگویی خلقی رابطه غیرمستقیم وجود دارد. فرضیه ۵. جنسیت رابطه بین افسردگی و رضایت زناشویی را تعدیل می‌کند.

روش کار

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و با استفاده از روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ انجام شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه معلمان متاهل زن و مرد مقطع ابتدایی

کوتاه افسردگی بک را ۰/۸۷ و قابلیت بازآزمایی را به فاصله دو هفته ۰/۹۰ گزارش کردند. همچنین، بررسی همسانی درونی و اعتبار ماده‌های فرم کوتاه این پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ و ۰/۸۲ و ضریب همبستگی بین فرم کوتاه و فرم ۲۱ سوالی پرسشنامه افسردگی بک ۰/۶۲ بودند. در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی مقیاس افسردگی فرم کوتاه بک از روش همسانی درونی استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ در این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمده است.

۲- مقیاس ۲۰ ماده ای ناگویی خلقی بگی، پارکر و تیلور (تورنتو)^۵

این مقیاس توسط بگی و همکاران در سال ۱۹۹۴ طراحی شده و یک آزمون ۲۰ سوالی است و شامل سه خرده آزمون دشواری در شناسایی احساسات^۶، دشواری در توصیف احساسات^۷ و تفکر بیرون مدار^۸ می‌باشد. نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق سنجیده و بررسی می‌شود در نسخه فارسی این مقیاس ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی خلقی کل ۰/۸۵ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه ناگویی هیجانی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۰ که بیانگر ضرایب پایایی قابل قبول پرسشنامه یاد شده می‌باشد.

استاندارد سنی شرکت کنندگان در پژوهش به ترتیب برابر با ۳۶/۶ و ۸/۴ بود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ در سال ۱۹۸۹ توسط اولسون، ساخته شده است و شامل ۴۷ ماده خودگزارشی است. هر گزینه شامل یک مقیاس ۵ درجه‌ای از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" که دامنه آن از ۱ تا ۵ مرتب شده است. هر چه نمره فرد بیشتر باشد میزان رضایت زناشویی وی نیز بیشتر می‌شود. در فرم اصلی پرسشنامه انریچ، اولسون و فورینز و دانکمن در سال ۱۹۸۹ اعتبار پرسشنامه را با روش ضریب آلفا کرونباخ^۲ ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند و سلیمانیان در سال ۱۳۷۳ پایایی پرسشنامه را در فرم کوتاه از طریق محاسبه ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش کرد و در پژوهش دیگر، مهدویان در سال ۱۳۷۶ در کار روی اعتبار آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته آنرا برای مردان ۰/۹۳۷ و برای زنان ۰/۹۴۲ بدست آورد. این پرسشنامه خرده مقیاس به شرح زیر دارد: موضوعات شخصیتی، حل تعارض، ارتباط زناشویی، مدیریت امور مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، دوستان و اقوام، جهت‌گیری مذهبی. کلیه زیرمقیاس‌های مقیاس انریچ زوجهای راضی و ناراضی را تفکیک میکند و این نشان می‌دهد که این مقیاس از روایی ملاکی خوبی برخوردار است. روایی محتوایی^۳ مقیاس یاد شده نیز توسط متخصصان مشاوره خانواده و استادان روانشناسی تأیید شده است (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹) در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه فوق ۰/۸۸ تعیین گردید.

۱- پرسشنامه افسردگی بک^۴

پرسشنامه افسردگی بک که برای تسهیل اجرای سریع در موقعیتهای بالینی و پژوهشی تدوین شده است، شامل 13 ماده است که با نشانه‌های خاص افسردگی مرتبط می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ فرم

⁵ Toronto Alexithymia (TAS)

⁶ Difficulty identifying feelings (DIF)

⁷ Difficulty describing feelings (DDF)

⁸ Externally-oriented thinking (EOT)

1 Enrich Couple Scales (ECS)

2 Cronbach's alpha

3 content validity

4 Beck Depression Inventory

نتایج

جدول ۱- شاخص‌های مرکزی، پراکنندگی و توزیع متغیرها

گروه زنان				گروه مردان				شاخص توصیفی مقیاس
حداکثر نمره	حداقل نمره	انحراف معیار	میانگین	حداکثر نمره	حداقل نمره	انحراف معیار	میانگین	
۲۱۹	۸۳	۴۰,۹۹	۱۳۹,۵۳	۲۱۸	۸۰	۴۱,۰۱	۱۳۹,۷۷	رضایت زناشویی
۷۷	۴۱	۸,۳۴	۵۵,۵۸	۷۷	۳۹	۸,۵۲	۵۵,۲۲	ناگویی خلقی
۲۴	۱۳	۳,۱۳	۱۷,۹۸	۲۴	۱۳	۳,۱۷	۱۷,۶۵	دشواری شناسایی احساسات
۲۲	۱۰	۳,۲۵	۱۶,۱۸	۲۳	۱۰	۳,۱۴	۱۶,۱۲	دشواری توصیف احساسات
۳۲	۱۴	۴,۴۰	۲۱,۴۲	۳۲	۱۴	۴,۴۷	۲۱,۴۴	تفکر عینی
۱۴	۰	۳,۳۹	۵,۰۹	۱۳	۰	۳,۲۸	۵,۰۲	افسردگی

شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمره) نمونه شرکت کننده در پژوهش حاضر، برای متغیرها مطابق با جدول ۱ به دست آمده است.

جدول ۲- ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر

متغیر	شاخص آماری	رضایت زناشویی	ناگویی خلقی	افسردگی
رضایت زناشویی	ضریب همبستگی	۱		
	سطح معناداری	----		
ناگویی خلقی	ضریب همبستگی	۰,۲۴**	۱	
	سطح معناداری	۰,۰۰۰۱	----	
افسردگی	ضریب همبستگی	۰,۳۱**	۰,۲۳**	۱
	سطح معناداری	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۱	----

** $p \leq 0.01$ و * $p \leq 0.05$

پژوهش به غیر از متغیرهای پیش بین با یکدیگر دارای همبستگی معنی داری هستند. این امر حکایت از انتخاب مناسب متغیرها در این پژوهش، بر اساس پیشینه پژوهشی و مطالعات

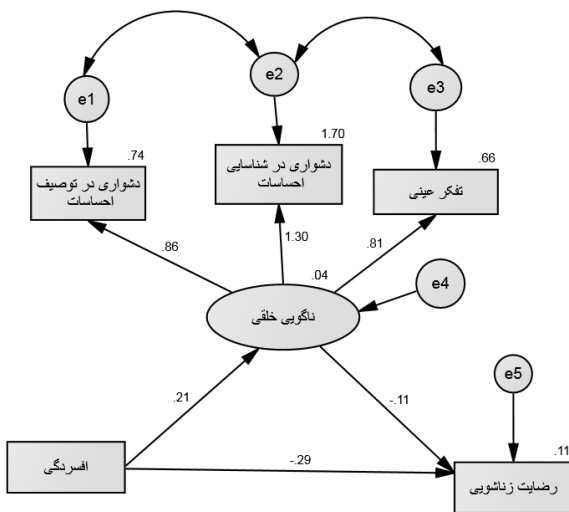
جدول ۲ نتایج آزمون همبستگی پیرسون را برای بررسی رابطه بین متغیرهای پیش بین میانجی و ملاک در این پژوهش نشان می‌دهد. مندرجات آن نشان می‌دهند که تمام متغیرهای

چندگانه، از آماره تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد با توجه به اینکه برای همه متغیرها آماره VIF، کمتر از ۱۰ و آماره تحمل بیشتر از ۰٫۱ بود، مفروضه عدم هم خطی چندگانه رعایت شده بود. همچنین برای آزمون مفروضه استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. مقدار بدست آمده در این پژوهش برابر با ۱٫۸۸ بود و چون در طیف ۱٫۵-۲٫۵ قرار دارد بیانگر رعایت مفروضه استقلال خطاها است. سپس برازندگی الگوی پیشنهادی بر اساس معیارهای برازندگی ارزیابی گردید. نتایج آزمون برازش مدل پیشنهادی و نهایی مطابق با جدول ۳ می باشد.

جدول ۳- برازش الگوی آزمون شده براساس شاخص های برازندگی

شاخص برازندگی	χ^2	df	$\frac{\chi^2}{df}$	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۱۷٫۶۴	۴	۴٫۴۱	۰٫۹۴	۰٫۸۵	۰٫۹۴	۰٫۹۲	۰٫۱۱
الگوی نهایی	۳٫۰۶	۲	۱٫۵۳	۰٫۹۹	۰٫۹۷	۰٫۹۹	۰٫۹۸	۰٫۰۴

نمودار ۱- ضرایب استاندارد مسیر الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر



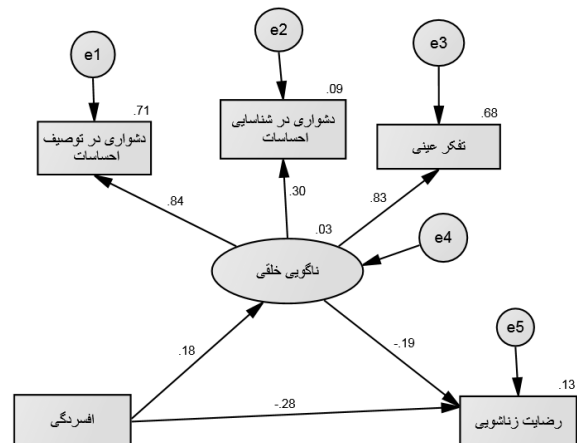
نمودار ۲- ضرایب استاندارد مسیر الگوی نهایی پژوهش حاضر

الگوی ساختاری، مسیرها و ضرایب استاندارد آنها در مدل پیشنهادی و نهایی به ترتیب مطابق جدول ۴ می باشد. بر اساس ضرایب پارامتر استاندارد و سطح معناداری متناظر ارائه شده تمام مسیرهای مستقیم مدل معنی دار می باشند. جدول ۴- ضرایب مسیر استاندارد مربوط به اثرهای مستقیم متغیرها در مدل پیشنهادی

انجام گرفته در گذشته دارد. این تحلیل های همبستگی بینشی در خصوص روابط دو متغیری بین متغیرهای پژوهش را فراهم می کنند. جهت آزمون همزمان انگاره روابط مفروض در پژوهش حاضر، از مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS استفاده شد.

قبل از تحلیل داده ها با استفاده از روش آماری مدل یابی معادلات ساختاری ابتدا پیش فرض های بهنجاری چند متغیری، خطی بودن، هم خطی چندگانه و استقلال خطاها آزمون و تایید شدند. جهت آزمون نرمال بودن داده ها از آزمون کالموگروف اسمیرنوف استفاده شد، جهت بررسی هم خطی

همان گونه که مقادیر جدول ۳ نشان می دهد، الگوی پیشنهادی در شاخص های برازندگی دارای برازش مطلوبی نبود و نیاز به اصلاح داشت با توجه به اینکه تمام مسیرها در الگوی پیشنهادی معنی دار بود این مدل از طریق همبسته کردن خطاهای خرده مقیاسهای متغیر میانجی که به صورت مکنون اندازه گیری شد، اصلاح گردید. و یافته های جدول ۳ حاکی از آن است که مدل نهایی دارای برازش مطلوبی است. نمودار ۱ و ۲ ضرایب استاندارد مسیرها را به ترتیب در الگوی آزمون شده پیشنهادی و نهایی نشان می دهند.



مطابق با یافته های مندرج در جدول ۴ رابطه بین افسردگی با رضایت زناشویی، مستقیم، منفی و معنی دار می باشد ($p \leq 0.01$) و $\beta = -0.28$) و لذا فرضیه ۱ تایید می شود. رابطه ناگویی خلقی با رضایت زناشویی، مستقیم، منفی و معنی دار می باشد ($p \leq 0.05$ و $\beta = -0.10$) و لذا فرضیه ۲ تایید می شود. رابطه بین افسردگی با ناگویی خلقی، مستقیم، مثبت و معنی دار می باشد ($p \leq 0.01$ و $\beta = 0.21$) و لذا فرضیه ۳ تایید می شود. برای تعیین معنی داری روابط واسطه ای، از بوت استراپ استفاده شده است. جدول ۵ ضرایب استاندارد را در مسیرهای غیر مستقیم در مدل آزمون شده نشان می دهد.

مدل اولیه			مدل نهایی		
مسیر	β	P	مسیر	β	P
افسرد	۰,۱۸	**	افسرد	۰,۲۱	**
ناگویی	۰,۸۲	**	ناگویی	۰,۸۱	**
ناگویی	۰,۸۴	-	ناگویی	۰,۸۵	-
ناگویی	۰,۳۰	**	ناگویی	۰,۳۰	**
ناگویی	۰,۱۹	**	ناگویی	۰,۱۰	* ۰,۰۴
افسرد	۰,۲۷	**	افسرد	۰,۲۸	**

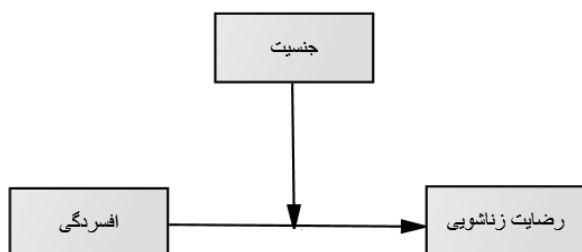
** $p \leq 0.01$ و * $p \leq 0.05$

بر اساس ضرایب پارامتر استاندارد و سطح معناداری متناظر ارائه شده در جدول ۴ تمام مسیرهای مستقیم مدل معنی دار می باشند.

جدول ۵- آزمون میانجی گری چندگانه اثرهای غیر مستقیم مدل با استفاده از روش بوت استراپ ماکرو

مدل آزمون شده	مسیر غیر مستقیم	β	سطح معنی داری
مدل پیشنهادی	افسردگی ← ناگویی خلقی ← رضایت زناشویی	-۰/۰۳	** ۰/۰۰۷
مدل نهایی	افسردگی ← ناگویی خلقی ← رضایت زناشویی	-۰/۰۲	** ۰/۰۱

** $p \leq 0.01$ و * $p \leq 0.05$



نمودار ۳. مدل مفهومی تعدیل کننده جنسیت

در خصوص اثر غیر مستقیم افسردگی بر رضایت زناشویی از طریق ناگویی خلقی، مندرجات جدول ۵ نشان می دهند که این مسیر معنی دار است. ($p < 0.01$ و $\beta = -0.02$) بنابراین، با توجه به این یافته، فرضیه مذکور تایید می شود. به عبارت دیگر، اثر غیر مستقیم افسردگی بر رضایت زناشویی از طریق ناگویی خلقی معنی دار می باشد.

نمودار ۳ مدل مفهومی پژوهش در نقش تعدیل کننده جنسیت را نشان می دهد.

جدول ۶- همبستگی چند گانه جنسیت و افسردگی با رضایت زناشویی با روش ورود همزمان

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	R	R ²	F	P	β	t	p
رضایت زناشویی	افسردگی	۰,۳۱	۰,۰۸	۸,۷۲	۰,۰۰۰۱	۰,۰۴	۰,۴۴	۰,۶۵
	جنسیت					-۰,۱۱	-۰,۵۲	۰,۰۶
	تعامل جنسیت و افسردگی							

روشن تر شدن موضوع، رابطه افسردگی و رضایت زناشویی در دو جنس با همبستگی پیرسون در جدول ۷ آورده شده است.

مطابق جدول ۶، رگرسیون حاصل از رابطه های متغیرهای پیش بین افسردگی، جنسیت و تعامل افسردگی - جنسیت با متغیر ملاک رضایت زناشویی نشان داد که متغیر تعامل افسردگی - جنسیت در مدل رگرسیون معنی دار نمی باشد ($P > 0.05$). جهت

جدول ۷- ضریب همبستگی پیرسون افسردگی و رضایت زناشویی در دو جنس

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	جنسیت	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
افسردگی زناشویی	رضایت زناشویی	مرد	۱۲۳	۰/۲۷**	۰/۰۰۱	-۵/۵۸	-۱/۲۶
		زن	۱۲۱	۰/۳۴**	۰/۰۰۰۱	-۶/۲۶	-۲/۱۵

** $p \leq 0.01$ و * $p \leq 0.05$

دیگر یافته این پژوهش رابطه مستقیم ناگویی خلقی با رضایت زناشویی را همسو با پژوهش‌های قبلی (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳)، تایید کرد. در توضیح این نتیجه باید گفت که افراد دارای ناگویی خلقی در شناسایی و تمایز بین حالات درونی خود مشکل دارند، برای آنها استفاده از احساسات به عنوان نشانه‌هایی برای خودتنظیم‌گری و حفظ تعادل درونی دشوار می‌باشد، لذا این افراد نمی‌توانند حالات روانی خود را تنظیم و در مقابل ناملازمات مقاومت کنند، در نتیجه دچار پریشانی خاطر شده، قدرت تفکر آنها خدشه دار می‌شود و از آنجا که توانایی همدلی و برقراری روابط مفید با دیگران برای آنها دشوار است بنابراین نسبت به دیگران رفتار منفی پیدا کرده، دچار ناامیدی، ناتوانی، رنجش و شکست میشوند در نتیجه ناگویی هیجانی با عدم رضایت از زندگی و فقدان حمایت اجتماعی پیوند یافته و این مسئله باعث تخریب روابط با همسر نیز می‌شود، و در نتیجه تعاملات اجتماعی کم و بی کیفیت و فقدان قدرت تحلیل در رویدادها و روابط و توجه به جنبه‌ی عینی مسائل که خود نوعی نقص شناختی و عاطفی به شمار می‌آید منجر به کسالت بار شدن شرایط زندگی و در نهایت کاهش رضایت زناشویی می‌شود (۱۲).

همچنین نتایج این مطالعه حاکی از رابطه مستقیم، مثبت و معنی دار بین افسردگی با ناگویی خلقی می‌باشد که همسو با یافته‌های پیشین (۱۴، ۱۶)، می‌باشد. که در توضیح آن باید بیان کرد که با توجه به اینکه ناگویی خلقی یک ویژه گی شناختی و عاطفی می‌باشد، افراد که ناگویی خلقی بالایی دارند توانایی کمی در تنظیم و فهم هیجانهای خود و دیگران دارند. و با توجه به عامل

از آنجایی که معنی دار بودن یا نبودن رابطه در هر یک از گروهها به تنهایی اهمیت ندارد و آنچه مهم است هم پوشانی حدود بالا و پایین همبستگی در دو گروه می‌باشد و با توجه به اینکه مطابق با جدول ۹ حد بالا و پایین همبستگی در دو گروه زنان و مردان دارای همپوشانی می‌باشد لذا تفاوت این دو همبستگی معنی دار نیست. بنابراین فرضیه پنجم رد می‌شود. به عبارتی جنسیت رابطه افسردگی و رضایت زناشویی را تعدیل نمی‌کند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌گری ناگویی خلقی در ارتباط بین افسردگی و رضایت زناشویی معلمان مقطع ابتدایی منطقه آزاد اروند با تعدیل‌گری جنسیت انجام شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که بین افسردگی و رضایت زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد که قبلاً در پژوهش‌های مختلفی این رابطه تایید شده است و این یافته با پژوهش‌های پیشین (۲، ۵، ۶)، همسو می‌باشد. ماهیت و نشانه‌های افسردگی به لحاظ نوعی سبب اختلال در زندگی افراد و به تبع آن کاهش رضایت زناشویی می‌شود (۱۹). لذا می‌توان چنین فرض کرد که کاهش علائم افسردگی منجر به افزایش رضایت زناشویی می‌شود در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که آشفتگی‌های روانشناختی زوجین مانند افسردگی با تعارض و افزایش هیجان‌های منفی مانند خشم، غم و اندوه همراه است. علاوه بر این، افراد افسرده به احتمال زیاد در هنگام تعارضات زناشویی از یکدیگر کناره‌گیری میکنند. در نتیجه، کاهش احتمال حل تعارض منجر به نارضایتی زناشویی در آنها خواهد شد (۲۰).

می‌توان گفت احتمالاً با توجه به اینکه زنان و مردان شرکت کننده در این پژوهش به صورت زوجی مورد مطالعه قرار نگرفتند نقش تعدیل کنندگی جنسیت تایید نشد. و نیز از آنجایی که جامعه مورد نظر معلمان بودند و زنان شاغل در زمینه هیجان‌اتوان مندی‌های برابری با مردان دارند این رابطه توسط جنسیت تعدیل نشد.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه، نتایج این پژوهش نشان داد که در مدل تدوین شده، افسردگی و ناگویی خلقی در قالب یک الگو می‌توانند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند بر این اساس به دو دسته پیامدهای نظری و عملی پژوهش حاضر می‌توان اشاره کرد: در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند هم نظریه‌های فعلی در زمینه ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی را مورد تایید قرار دهد و هم پرسشها و فرضیه‌های جدید در مورد رابطه این متغیرها را مطرح سازد. در سطح عملی، تهیه برنامه‌های آموزشی در زمینه افزایش مهارت‌های هیجانی و ابراز‌گری هیجانی می‌تواند راهبردهای مناسب را به افراد از جمله زوجین آموزش دهد. این برنامه‌ها می‌توانند به صورت برنامه‌های مداخله‌ای در زمینه پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم و مدیریت هیجان‌اتوان انجام شود. این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است: جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها و تفسیر یافته‌ها مطرح می‌سازد. نمونه مطالعه معلمان مقطع ابتدایی بوده است که در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود.

تشکر و قدردانی

این مطالعه مستخرج از رساله دکتری روان‌شناسی بوده و از تمام شرکت کنندگان و تمامی کسانی که در اجرای این پژوهش ما را کمک نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

دشواری در توصیف احساسات در این افراد زمانی که اطلاعات هیجانی نتواند در فرآیند پردازش شناختی ادراک و ارزشیابی شوند، افراد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شده و این ناتوانی سبب مختل شدن سازمان عواطف و شناخت‌های آنان می‌شود. یکی از روش‌های کنترل تنش خصوصاً در مورد هیجان‌های منفی، تخلیه و بیان هیجانی ناشی از تنش است. وقتی فرد نتواند بخوبی هیجان‌های خود را تخلیه کند و یا احساسات و عواطف خود را به صورت کلامی ابراز کند، احتمال بروز افسردگی افزایش یافته و در مقابل افرادی که در شناخت احساسات خود توانمند هستند از سلامت روانی بالاتری برخوردار خواهند بود (۱۳).

همچنین با توجه به پیشینه پژوهش و روابط مستقیم که به آن پرداخته شد نشان داده شد که علاوه بر ارتباط مستقیم بین افسردگی و رضایت زناشویی، ناگویی خلقی به عنوان یک عامل واسطه‌می‌تواند این رابطه را میانجی‌گری کند، که مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر نیز این رابطه غیر مستقیم معنی دار بود که با یافته‌های پیشین (۲۰، ۲۱)، که در خصوص نقش میانجی‌گرانه ناگویی خلقی مطالعه کردند همسو بود. در تبیین این مسئله می‌توان گفت علائم افسردگی که از اختلالات شایع است به مرور باعث احساس ناامیدی و درماندگی و در نتیجه افزایش علائم ناگویی هیجانی مانند دشواری در شناسایی و بیان احساس‌های فرد می‌شود و ناگویی هیجانی در بین زوجین ممکن است نارضایتی زناشویی را افزایش دهد.

در خصوص نقش تعدیل کنندگی جنسیت در رابطه بین افسردگی و رضایت زناشویی نتایج پژوهش حاضر نشان داد جنسیت رابطه افسردگی و رضایت زناشویی را تعدیل نمی‌کند. پژوهش‌های قبلی در این زمینه مقایسه افسردگی و رابطه آن با ویژگی‌های زناشویی را بر روی زوجین انجام داده و نتایج حاکی از اختلاف جنسیتی بود (۵، ۲۲) در تبیین این یافته

References

1. Twenge JM, Campbell WK, Foster CA. Parenthood and marital satisfaction: a meta-analytic review. *Journal of marriage and family*. 2003 Aug;65(3):574-83.
2. Frech A, Williams K. Depression and the psychological benefits of entering marriage. *Journal of Health and Social Behavior*. 2007 Jun;48(2):149-63.

3. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry. Lippincott Williams & Wilkins; 2011 Dec 26.
4. Nawabinejad, Sh. Women's Psychology, Tehran: Science Publishing, 2012.
5. Belyad M R, Nahidpoor F, Azadi S. Investigation the Transactional Relationship between Marital Satisfaction and Depression in Couples Referred to the Counseling Center of Islamic Azad University of Karaj. IJPN. 2017; 4 (6) :15-21
6. Laurent HK, Kim HK, Capaldi DM. Longitudinal effects of conflict behaviors on depressive symptoms in young couples. Journal of Family Psychology. 2009 Aug;23(4):596.
7. Humphreys TP, Wood LM, Parker JD. Alexithymia and satisfaction in intimate relationships. Personality and Individual Differences. 2009 Jan 1;46(1):43-7.
8. Yum Y, Canary DJ. Maintaining relationships in Korea and the United States: Features of Korean culture that affect relational maintenance beliefs and behaviors. Maintaining relationships through communication: Relational, contextual, and cultural variations. 2003:277-96.
9. Hyun S, Joseph H. Korean pastors and their wives' marital satisfaction and its predicting factors. Pastoral Psychology. 2010 Aug 1;59(4):495-512.
10. Mirgain SA, Cordova JV. Emotion skills and marital health: the association between observed and self-reported emotion skills, intimacy, and marital satisfaction. Journal of Social and Clinical Psychology. 2007 Nov;26(9):983-1009
11. Cordova JV, Gee CB, Warren LZ. Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. Journal of Social and Clinical Psychology. 2005 Mar 1;24(2):218-35.
12. khaje F, Khezri-Moghadam N. THE RELATIONSHIPS BETWEEN ALEXITHYMIA AND INTERPERSONAL PROBLEMS WITH MARITAL SATISFACTION IN MARRIED FEMALE NURSES OF THE PUBLIC HOSPITALS IN KERMAN CITY. J Urmia Nurs Midwifery Fac. 2016; 14 (7) :630-638
13. besharat, M., Ganji, P. The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction. Journal of Fundamentals of Mental Health, 2012; 14(56): 35-324.
14. Skodol AE, Bender DS, Morey LC, Clark LA, Oldham JM, Alarcon RD, Krueger RF, Verheul R, Bell CC, Siever LJ. Personality disorder types proposed for DSM-5. Journal of personality disorders. 2011 Apr;25(2):136-69.
15. Hintikka J, Honkalampi K, Lehtonen J, Viinamäki H. Are alexithymia and depression distinct or overlapping constructs?: a study in a general population. Comprehensive psychiatry. 2001 May 1;42(3):234-9.
16. Motan İ, Gençöz T. The Relationship Between the Dimensions of Alexithymia and the Intensity of Depression and Anxiety. Turkish Journal of Psychiatry. 2007 Dec 1;18(4).
17. Vorst HC, Bermond B. Validity and reliability of the Bermond-Vorst alexithymia questionnaire. Personality and individual differences. 2001 Feb 1;30(3):413-34.
18. Aleman A, Kahn RS, Selten JP. Sex differences in the risk of schizophrenia: evidence from meta-analysis. Archives of general psychiatry. 2003 Jun 1;60(6):565-71.
19. Aslani, K., Samadifard, A., Sodani, M. The Test of the Model of Disconnection and Rejection Domain of Early Maladaptive Schemas and Marital Satisfaction with Mediating Unsecure Attachment Style, and Depression. Family Counseling and Psychotherapy, 2015; 5(1): 94-114.
20. Papp LM, Goeke-Morey MC, Cummings EM. Linkages between spouses' psychological distress and marital conflict in the home. Journal of Family Psychology. 2007 Sep;21(3):533.
21. oqbaee, S., kakavand, A., bahrami hidachi, M. The relationship between depression and internet addiction with intervention of alexithymia. Journal of Psychological Studies, 2018; 14(1): 163-181.
22. Bakhshi H, Asadpour M, Khodadadizadeh A. Correlation between marital satisfaction and depression among couples in Rafsanjan . J Qazvin Univ Med Sci. 2007; 11 (2) :37-43

Original Article

The role of mediation of alexithymia in the relationship between depression and marital satisfaction in elementary school teachers with gender moderation

Received: 16/09/2019 - Accepted: 06/12/2019

Alireza Heidari¹
Parviz Asgari^{2*}
Saeed Bakhtiarpour³
Alireza Heidari³
Fariba Hafezi³

¹ PhD student, Department of Educational Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
² Department of psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. corresponding author
³ Department of psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Email: Askary47@yahoo.com

Abstract

Introduction: The aim of this study was to investigate the role of mediating of alexithymia in the relationship between depression and marital satisfaction with gender moderation done.

Materials & Methods: The statistical society included all married teachers in the elementary school of Arvand Free Zone who were engaged in the academic year of 2017, 300 subjects were selected as sample groups through available sampling method. The tools used to measure variables in this research were: Toronto Alexithymia scale, Enrich marital satisfaction questionnaire and Beck Depression Inventory. Data were analyzed using structural equation modeling method using Amos software.

Results: The results showed that Depression has a negative and significant relationship with marital satisfaction ($\beta = -0.28, p \leq 0.01$), The direct relation between alexithymia and marital satisfaction is also negative and significant ($p = -0.10, \beta$ and $p \leq 0.05$), There is a direct, positive and significant relationship between depression and alexithymia ($\beta = 0.21$ and $p \leq 0.01$). There is also an indirect relationship between depression and marital satisfaction through alexithymia ($\beta = -0.02$ and $p \leq 0.01$). Finally, the results showed that gender does not modify the relationship between depression and marital satisfaction.

Conclusion: It can be inferred that decreasing depressive symptoms in couples increases their marital satisfaction both directly and through reduced alexithymia.

Key words: marital satisfaction, alexithymia, depression